

رباعیات مندرج در سفینه مکتوب به سال ۶۵۱ ق^۱

دکتر مهرداد چترایی عزیزآبادی^۲

استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد

چکیده

دست‌نویس‌های بازمانده از سده‌های گذشته مشتمل بر فواید گوناگون ادبی و تاریخی فراوان و برطرف‌کننده ابهامات بسیاری از متون نظم و نثر فارسی است. از آن رو که تعداد زیادی از نسخه‌های خطی هنوز در معرض تصحیح و تحقیق قرار نگرفته، برای دستیابی به آگاهی‌های دقیق از احوال و آثار گویندگان و نویسندگان دوره‌های مختلف ادبی فارسی، نخستین گام، شناسایی و تصحیح آن نسخ خطی است. از جمله نسخه‌های خطی تقریباً ناشناخته، مجموعه‌ای پراکنده است که متعلق به استاد فقید، جلال‌الدین همایی بوده که پس از درگذشت ایشان به کتابخانه ملی واگذار شده است. مجموعه مذکور به سال ۶۵۱ ق کتابت شده و شامل یادداشت‌های پراکنده، رسایل کوتاه و ابیات فارسی و عربی است. بیشتر محتویات این مجموعه - به‌ویژه آثار منظوم آن - نویافته است و تاکنون با وجود اهمیت فراوان آن، هم به لحاظ تاریخی و هم از نظر محتوایی، به چشم محققان ادب فارسی نیامده است. این مقاله، ضمن معرفی اجمالی دست‌نویس پیش‌گفته برای نخستین بار، رباعیات

فارسی آن را تصحیح و ارائه می‌کند و با مراجعه به منابع درباره گویندگان آن تحقیق می‌کند.

واژه‌های کلیدی

نسخه خطی، رباعیات نویافته، سفینه، تصحیح، جلال‌الدین همایی

مقدمه

پس از درگذشت جلال‌الدین همایی^۱ بیشتر نسخه‌های خطی ملکی وی با تصمیم ورثه آن مرحوم به کتابخانه ملی واگذار شد. تعداد زیادی از نسخه‌های مذکور، حاوی یادداشت‌های کوتاه و بلند آن استاد فقید است و با وجود ارزش‌های فراوان تاکنون چنان‌که باید در باب آن‌ها پژوهشی صورت نگرفته^۲ و حتی فهرست دقیق عناوین آن نسخه‌ها نیز مشخص نیست. یادداشت‌های مزبور، گاه توضیح معنی یک واژه یا اصطلاح است و گاه ارائه ضبط صحیح عبارات مبهم نسخه و بعضی از آن‌ها هم توضیحاتی است در جنبه‌های ادبی و تاریخی آن دست‌نویس‌ها. به جز آن‌ها، حواشی و یادداشت‌هایی که استاد در باب چگونگی تهیه آن نسخه مرقوم کرده، روشنگر جزئیات خواندنی و ارزشمندی از اوضاع و احوال زندگی فرهنگی اوست.^۳

در میان آن نسخه‌ها، دست‌نویسی است که در فهرست کتابخانه ملی با عنوان «امثال و حکم» نام‌گذاری شده و همایی نیز یادداشتی در معرفی آن نیاورده است. نسخه مذکور از جمله نسخ ارزشمندی است که هم از نظر تاریخ کتابت (۶۵۱ هـ ق.) و هم به لحاظ محتوای آن در خور توجه است.

معرفی نسخه مکتوب به سال ۶۵۱ هـ ق.

دیدگاه‌های متعددی درباره اطلاق عنوان به دست‌نویس‌های شامل متون مختلف وجود دارد.

در بعضی منابع، واژه‌های سفینه و جنگ را مترادف یکدیگر به کار برده‌اند و فقط قدمت کاربرد واژه سفینه را نسبت به جنگ، دلیلی بر اصالت سفینه دانسته‌اند (صفری آق قلعه، ۱۳۹۰: ۸-۹). با توجه به محتوا و ساختار دست‌نویس مورد بحث، شاید عنوان «سفینه» را بتوان بر آن اطلاق کرد.^۴

در پایان یکی از رساله‌های مجموعه مذکور، انجامه‌ای با تاریخ ۶۵۱ هـ ق. دیده می‌شود که مشتمل بر رسایل کوتاه و یادداشت‌های پراکنده‌ای است که به احتمال فراوان در نیمه‌های سده هفتم، مکتوب شده است. دست‌نویس آن مجموعه، هم‌اکنون با عنوان «مجموعه امثال و حکم» به شماره ۱۱۹۴۴۷۸ در کتابخانه ملی نگهداری می‌شود. این نام‌گذاری در فهرست‌نویسی، نشان‌دهنده بی‌اطلاعی از محتوای دست‌نویس است.

سفینه مذکور به خط نسخ تحریری با مرکب سیاه کتابت شده است. غالب عنوان‌های آن به رنگ شنگرف است و صفحات، هیچ جدول و آرایه‌ای ندارد. در حواشی برگ‌های نسخه، بدون هیچ نظم و ترتیبی، ابیات و عباراتی به فارسی و عربی نوشته شده‌است که خط آن حواشی با خط متن یکسان است. تنها تاریخ مندرج در این نسخه در پایان یکی از رسایل سفینه موسوم به رساله «قره العین» ذکر شده و سال ۶۵۱ هـ ق. را نشان می‌دهد. احتمال دارد که بعضی از یادداشت‌ها و نوشته‌های مندرج در نسخه، بعد از تاریخ مذکور نوشته شده باشد اما رسم‌الخط و سایر علائم نگارشی در سرتاسر متن، یکسان است و به نظر می‌رسد همه آن‌ها در همان اواسط سده هفتم در این مجموعه ثبت شده باشد؛ به‌ویژه آنکه - چنان‌که خواهد آمد- از آثار هیچ شاعر و نویسنده‌ای که پس از نیمه دوم قرن هفتم زیسته باشد، اثری در این نسخه نیست. این دست‌نویس، ۹۴ صفحه است و بر اساس آنچه در آغاز و انجام آن آمده، متأسفانه، برگ‌هایی از ابتدا و انتهای آن، افتاده است.

آغاز نسخه:

نمایند هر شب خران را به خواب کی پالان‌گران را بیرده است آب

پایان نسخه:

کم کن ز سیه‌کاری اکنون کی خطت بر گرد رخت سیه‌گری پیشه گرفت
همچنین صفحات نسخه، شماره‌گذاری ندارد و در صحافی مجدد تعدادی از برگ‌های آن
جابجا شده است و از آنجا که نسخه فاقد رکابه است، فقط از طریق مفهوم عبارات می‌توان
به توالی صفحات پی برد. به جز افتادگی برگ‌های آغازین و انجامین نسخه، برگ‌هایی نیز از
اواسط دست‌نویس ساقط شده است.

بخش‌هایی از این مجموعه به گونه‌ای کتابت شده که شتاب کاتب در آن‌ها مشهود است.
متصل نوشتن کلمات، نبود نقطه‌گذاری در عبارات، نامنظم بودن تعداد سطور در هر صفحه
و نیز بهره نگرستن از مسطر اندازی^۵ در کتابت و قرائنی از این قبیل، نشان دهنده این است
که این دست‌نویس به عنوان دفترچه یادداشت یا چیزی شبیه به آن در دست کاتب بوده و
وی به تناوب، آثار مذکور را در آن ثبت کرده است.

نشانه‌های کتابتی کهن در این سفینه فراوان است؛ از جمله رعایت قاعده دال و ذال؛
کتابت پ/چ/گ به صورت ب/ج/ک؛ اتصال فعل است به کلمه قبل؛ کتابت کی به جای که؛
کتابت چون به شکل چن. در این دست‌نویس نام کاتب ذکر نشده است و چنانکه در بخش
معرفی نسخه گفته شد، کاتب ظاهراً اشعار و نوشته‌های کوتاه و بلند عربی و فارسی این
دفتر را بدون هیچ نظم و ترتیبی، به صورت تفننی برای خود کتابت کرده است.

فهرست کلی محتویات نسخه

مجموعه حاضر به‌طور کلی، چهار بخش دارد:

الف- رساله‌های منثور کوتاه و بلند که مفصل‌ترین آن‌ها رساله قره العین (تألیف قاضی
اوش) است؛ از این رساله نسخه‌های متعددی وجود دارد و نسخه حاضر، کهن‌ترین
دست‌نویس آن محسوب می‌شود.^۶ رساله‌های کوتاه دیگری نیز در این مجموعه هست که

- نویسنده این سطور در نوشتاری دیگر به معرفی و تصحیح آن‌ها پرداخته است.^۷
- ب- حکایات کوتاه فارسی.
- ج- خطبه‌ها و روایات کوتاه عربی.
- د- اشعار پراکنده فارسی و عربی.

اشعار فارسی

اشعار فارسی پراکنده‌ای در صفحات مختلف این سفینه، ثبت شده که اغلب آن‌ها در قالب رباعی است؛ به جز آن، اشعار دیگر این مجموعه عبارت است از:

سه غزل هفت بیتی، یک قطعه چهار بیتی، یک ملامع هشت بیتی و یک مسمط هشت بیتی و شش بیت پراکنده که ممکن است بازمانده سروده‌هایی باشد که ابیات دیگر آن‌ها در صفحات ساقط شده نسخه بوده است. همچنین قصیده ۲۷ بیتی رشید و طواط که در مدح علاءالدوله اتسز (ص ۷۳) است با مطلع:

خسرو ملک بخش کشور گیر که ز خلقش به عدل نیست نظیر

که عیناً در دیوان او هم آمده (رشید و طواط، ۱۳۳۹: ۲۷۷) و نیز غزل ۹ بیتی عطار با مطلع:

ای غمت روز و شب به تنهایی مونس عاشقان سودایی

که در دیوان عطار هم با اختلاف جزئی، ذکر شده است (عطار، ۱۳۴۵: ۶۹۱). همچنین ابیاتی به صورت ملامع و چندین تک بیت در حواشی صفحات کتابت شده است. نام گویندگان اشعار فارسی در این سفینه ذکر نشده و با جستجو در بعضی منابع مربوط، شاعر شماری از آنان مشخص شده که توضیح آن ذیل هر شعر آمده است.

و اینک رباعیات فارسی آن مجموعه:

رباعیات^۸:

(۱)

شمعی است زمانه هیچ پرتو ندهد
امروز زمانه خران است بدانک
جز اهل ضلال و جهل را ضو ندهد
تا خر نشوی کسیت یک جو ندهد
(ص ۹)

(۲)

ای ترک به غمزه لشکری درجنبان
گیرم که سراسر سخنم باد هواست
بفشان سر زلف، کشوری درجنبان
ای سرو به باد هم سری درجنبان
(ص ۴۴)

در سفینه ۶۵۱، با عنوان «لغیره» ذکر شده است. همین رباعی با اختلاف در نزهه المجالس (شروانی، ۱۳۶۶: ۵۲۰، ش ۳۳۶۵) به نام جمال‌الدین عبدالرزاق مذکور است ولی در دیوان جمال نیامده است.

(۳)

کس را ز غم تو با طرب کاری نیست
مشغول به کار آب، چشم تر ماست
جز ناله مرا به روز و شب کاری نیست
چشم تو چنان مست، عجب کاری نیست
(ص ۴۴)

این رباعی در دیوان کمال‌الدین اسماعیل اصفهانی نیز آمده است (کمال اسماعیل، ۱۳۴۸: ۸۱۲، ش ۷۸).

(۴)

بر خامه و نامه من از بس زاری
سوز دل من قلم نیارست نبشت
چشم آب فشان کرد و دل آتش باری
آری نبود کار نی آتش کاری
(ص ۴۴)

در مجموعه ۶۵۱ به نام «زوزنی» آمده است. همین رباعی در «خلاصه الاشعار فی الرباعیات» (ابوالمجد تبریزی، ۱۳۸۳: ۱۴۹) با اختلاف جزئی بدون نام شاعر مذکور است.

(۵)

ای کار دل آخر سر و سامان تو کو
وای عاشق مسکین چو چمن شد پر بوی
وای مدت هجر یار، پایان تو کو
معشوقه بلبلی آمده است آن تو کو

(ص ۴۴)

(۶)

آه سحری از سر سوزی باشد
آخر شب یلدای من سوخته را
اندوه دلم ز دل فروزی باشد
گر عمر بود امید روزی باشد

(ص ۴۴)

(۷)

از عشق تو گرچه شهره‌ام در عالم
مانند گل دو رنگ بر چهره زرد
زان روی که تا نهفته ماند حال
گلغونه‌ای از خون جگر می‌مالم

(ص ۴۴)

(۸)

شور دلم از دو لعل پر قند تو خاست
بی‌مهری دنیام سبب مهر تو بود
دیوانگی‌ام ز زلف پر بند تو خاست
بیریدنم از خلق ز پیوند تو خاست

(ص ۴۴)

(۹)

دوش از رخ [و] زلفش نه شب آسود نه صبح
در آخر شب روشنی‌ای پیدا شد
وز شرم رخس نه ماه بنمود نه صبح
چون نیک بدیدم رخ او بود نه صبح

(ص ۵۱)

خط و قلم این دو بیت، متفاوت از سایر اشعار است و به نظر می‌رسد بعدها در حاشیه

صفحه افزوده شده است.

(۱۰)

ای من شده زار و ناتوان از غم تو زندان شده بر تنم جهان از غم تو
هان ای دل و دیده تا به سر بر نکنم خاک همه دشت خاوران از غم تو
(ص ۵۴)

این رباعی را که در سفینه بدون نام شاعر آمده است به ابوسعید منتسب کرده‌اند
(نفیسی، ۱۳۳۴: ۸۲)

(۱۱)

وقت است کی بلبلان در آواز آیند گل‌ها همه در خنده و در ناز آیند
وین سیم بران کی خاکشان باد بخورد امسال در این موسم گل باز آیند
(ص ۵۸)

(۱۲)

جانا چو ز رفتن تو آگاهی شد دل در سر ناله سحرگاهی شد
کو آن همه گیر و دارت ای جان و جهان کی دانستی که این چنین خواهی شد
(ص ۵۸)

همین رباعی با اختلافی اندک به نام عطار آمده است (عطار، ۱۳۸۶: ۲۰۱ ش ۹۶۶)

(۱۳)

دردا کی گلم میان گلزار بریخت وز باد اجل چو برگ گلنار بریخت
این درد کجا برم کی در وقت بهار بشکفت گل و گل من از بار بریخت
(ص ۵۸)

این رباعی نیز به نام عطار آمده است (همان: ۱۹۸، ش ۹۴۶).

(۱۴)

ای چهره دلفریب تو مهراگیز مهر تو فکند در دلم آتش تیز

جام می لعل دلبری در کف توست
ای مست جمال خویش کژ دار [و] مریز
(ص ۶۰)

(۱۵)

افسوس که روز به بیوسی^۹ بگذشت
وین عمر چو جان عزیز از سی بگذشت
زین پس چه خوشی وگر خوشی دست دهد
صد کاسه به نانی چو عروسی بگذشت
(ص ۶۰)

این رباعی به همراه رباعی دیگری که پس از این خواهد آمد در دست‌نویس حاضر، به نام سعدالدین احمد عزیز (؟) آمده است.

(۱۶)

سی سال چو از عمر غرامت افتاد
حاصل ز منادمت ندامت افتاد
ای روز جوانی که شبت خوش بادا
دیدار من و تو با قیامت افتاد
(ص ۶۰)

رباعی فوق با عنوان «و ایضاً له» به نام همان شاعر منسوب است.

(۱۷)

گر من نه مرید عالم خس بُدمی
واندر پی مردار چو کرکس بُدمی
یاران همه رفتند و من ار کس بُدمی
از پیش برفتمی نه واپس بُدمی
(ص ۶۰)

این رباعی به نام «ابن خطیب گنجه‌ای» آمده است.

(۱۸)

افسوس که رونق جوانی بشکست
بازار نشاط و کامرانی بشکست
وقت شدن اندر شکم خاک آمد
چون پشت امید و زندگانی بشکست
(ص ۶۰)

این رباعی با عنوان «و لتاج‌الدین ابوالقاسم» مذکور است.

(۱۹)

پرورد به ناز و نعمت آن دوست مرا بردوخت مرقع از رگ و پوست مرا

جسمم خشن است و روح پاکم صوفی عالم همه صومعه است و پیر اوست مرا

(ص ۶۰)

این رباعی به نام «سعدالدین حمویی» آمده است.

(۲۰)

ای آتش و آب و خاک و بادت ارکان بر آتش و آب و خاک و بادت فرمان

چون ز آتش و آب و خاک و باد است جهان تا آتش و آب و خاک و باد است بمان

(ص ۶۶)

(۲۱)

خوردم همه صاف عمر کارم ناراست زین باقی تیره هم چه خواهد برخاست

ای دل به غرور بیش از این غره مشو یاران همه رفتند کنون نوبت ماست

(ص ۶۶-۶۷)

(۲۲)

نه تاب دهی عنان دل سوی وفا نه پای نهی به مهر در کوی وفا

وانگه ز همه لاف وفا بیش زنی کم گوی که شرم بادت از روی وفا

(ص ۶۶)

(۲۳)

آتش رویا بر آتش خشم مبار آبم بمبر بر آب رویم رحم آر

بر باد مده مرا که من یاد توام در خاک میفکنم ز خاک کویم بردار (؟) ۱۰

(ص ۶۶)

(۲۴)

بس پیرهن عمر که هر شب افلاک
هر روز بسی زمانه شاد و غمناک

فرسود زه و کرد گریبانش چاک
از آب برآورد و فرو برد به خاک
(ص ۶۷)

(۲۵)

زد خیمه زمانه در نهانخانه عمر
دردا و دریغا که برون خواهد برد

بی شمع امید ماند پروانه عمر
مرغ اجل از دام جهان دانه عمر
(ص ۶۷)

(۲۶)

سیلاب گرفت گرد ویرانه عمر
ایمن منشین که برد خوش بیرون

آغاز پُری نهاد پیمانۀ عمر
حَمال زمانه رخت از خانه عمر
(ص ۶۷)

(۲۷)

آن بخت ندارم که وصالت یابم
جان بذل کنم اگر شیبی در همه عمر

واندازه خدمت جمالت یابم
تشریف زیارت خیالت یابم
(ص ۶۸)

(۲۸)

هر دم کی قرار از دل شیدا برود
جان بر سر پای است ز دست ستمت

آهم ز ثری تا به ثریا برود
هان گر نظری نمی کنی تا برود
(ص ۶۸)

(۲۹)

بیم است کی بی زیور جانم بینی
بی تو رمقی ز جان هنوزم باقی است

وز ضعف به دیده گمانم بینی
گر نستانی بدان جهانم بینی
(ص ۶۸)

این رباعی با اختلاف جزئی در «نزهه المجالس» (شروانی، ۱۳۶۶: ۵۵۷، ش ۳۶۶۶) بدون نام گوینده آمده است.

(۳۰)

آهم ز دل تنگ برون می‌آید
در یک نفس از غم جهان می‌برهم

چون ناله کی از چنگ برون می‌آید
وان یک نفس از سنگ برون می‌آید

(۳۱)

چون گل بشکفت گفت زیبا کی منم
بیچاره چو در باغ رخ خوب تو دید

آرامش باغ و مجلس آرا کی منم
بر خاک فتاد گفت رسوا کی منم

(۳۲)

لب بر لب تو جان و دل آسان بدهم
ای جان و جهان زنده از آن می‌باشم

بر غمزه کافر تو ایمان بدهم
تا با تو دمی برآرم و جان بدهم

(۳۳)

شب نیست کی اشک دیده خونین نبرم
تو تلخ چه گویی کی من مسکین خود

صد تحفه ز دود دل به پروین نبرم
زین درد کشنده جان شیرین نبرم

(۳۴)

ای باد سحرگهی کی ره می‌سپری
گو خسته دلی ز عشقت او خود داند

گر برگذری به زلف آن رشک پری
جان می‌دهد و تو خود از او بی‌خبری

(ص ۶۸)

این رباعی به نام «رکن‌الدین دعوی‌دار» ثبت شده است اما در دیوان رکن‌الدین دعوی‌دار

(تصحیح علی محدث) نیست.

(۳۵)

کو زلف تو تا سزای ثعبان بدهم
انگشت زنان رقص کنان جان بدهم
(ص ۶۹)

کو روی تو تا به طبع ایمان بدهم
کو از تو اشارتی کی تا در پیشت

(۳۶)

در ملکوت هر دو کون فرمان بدهم
تا درنگرم بخندم و جان بدهم
(ص ۶۹)

گر با تو شیبی دست به پیمان بدهم
رخ باز نمای کی آروزی دلم است

(۳۷)

آورده‌امش به کف به صد حیل و دم
الحمد و ان یکاد می‌خوان و مدم
(ص ۶۹)

امشب چو به نزدیک من است آن همدم
ای فاتحه صبح ز روی اخلاص

(۳۸)

یا نرگس چون چشم تو داند حاشا
کوری و کبودی به تو ماند حاشا
(ص ۶۹)

دل خط تو را بنفشه خواند حاشا
نرگس کی بود بنفشه را خود چه محل

این رباعی با اختلاف جزئی به نام «جمال‌الدین عبدالرزاق» آمده است (شروانی، ۱۳۶۶، ۱۸۸: ش ۶۰۸). در دیوان جمال‌الدین نیست.

(۳۹)

گردون نتوان گفت کی بر من چه گماشت
جز تیر قدت زمانه هر تیر کی داشت
(ص ۶۹)

از چهره تو که حسن مهرو بنگاشت
از ابروی چون کمانت انداخت به من

(۴۰)

...^{۱۱} به من نمای تا جان بدهم
من خود ز خدای خویش این می خواهم
ور زلف تو کافر است ایمان بدهم
تا با تو دمی برآرم و جان بدهم
(ص ۶۹)

(۴۱)

ای باد صبا ز من سلامی برسان
یک قصه سر به مهر پُر غصه و درد
آهسته به گوش او پیامی برسان
از سوخته خرمنی به خامی برسان
(ص ۶۹)

(۴۲)

بِاللهِ عَلِيكَ يَا نَسِيمَ السَّحْرِ
بَلَّغْهُ تَحِيَّتِي وَ قَلِّ يَا قَمَرِي
گر هیچ بدان نگار زیبا گذری
من سوخته از فراق و تو بی خبری
(ص ۶۹)

(۴۳)

چون ابر ز هجر یار می‌گیریم زار
او هست بهار حسن و خالی نبود
بر گریه من چو برق می‌خندد یار
از گریه ابر و خنده برق بهار
(ص ۷۰)

این رباعی با اختلافات جزئی به نام «رشیدالدین و طواط» ثبت شده است (شروانی، ۱۳۶۶: ۳۸۵ ش ۲۲۵۵) ولی در دیوان رشید و طواط نیست.

(۴۴)

چون دید گل آن صورت زیبای تو را
اکنون ز سر شاخ از آن می‌ریزد
وان غمزه غمّاز غم‌افزای تو را
تا بوسه دهد خاک قدم‌های تو را
(ص ۷۰)

(۴۵)

ای باد صبا گرت بیفتد گذری
از من بر نوح روح می بر خبری
گو ساز سفینه کن کی ناگه برسد
طوفان دو چشم من شبی یا سحری
(ص ۷۰)

در دست‌نویس حاضر به نام «کمال اسماعیل» آمده است. همچنین در «نزهه المجالس» (شروانی، ۱۳۶۶: ۵۸۴، ش ۳۸۸۹) با اختلاف جزئی بدون نام شاعر و نیز در «خلاصه الاشعار فی الرباعیات» (ابوالمجد تبریزی، ۱۳۸۳: ۹۵، ش ۱۹۴) و با اختلاف جزئی به نام «عزالدین کحّال» ذکر شده است.

(۴۶)

کو دل کی ز جان شیفته روی تو نیست
یا مردمک دیده کی هندوی تو نیست
طاقی تو کی نیست در جهان جفت تو را
جفتی خوش‌تر ز طاق ابروی تو نیست
(ص ۷۰)

(۴۷)

پشت دل خرمی به‌جز روی تو نیست
...^{۱۲} جان گشاده جز کوی تو نیست
آن طاق کی جفت است تو و سایه تو
وان جفت که طاق است جز ابروی تو نیست
(ص ۷۰)

این رباعی در «مونس الاحرار» (جاجرمی، ۱۳۵۰: ۱۲۰۲/۲) با اختلاف بدون نام گوینده آمده است. مصراع دوم بیت اول، در «مونس الاحرار» این‌چنین است: آرامگه خلق به‌جز کوی تو نیست.

(۴۸)

دل دوش ز ابر بهمن افزون بگریست
ز اندازه و حد و وصف بیرون بگریست
چون دید غمت که بی تو خون بود دلم
بنشست و به درد بر دلم خون بگریست
(ص ۷۱)

(۴۹)

دردم چو شنید گفت بر من به دو جو
جان بردم پیش گفت از این صد خرمن
اشکم چو بدید گفت صد من به دو جو
نزدیک من ای سوخته خرمن به دو جو
(ص ۷۱)

در متن دست‌نویس ۶۵۱، این رباعی با عنوان «للیزدی» به شاعری به این نام منسوب شده. در نزهه المجالس (شروانی، ۱۳۶۶: ۵۱۸، ش ۳۳۴۶) با اختلاف جزئی به نام «عثمان مراغه ای» آمده است.

(۵۰)

در باغ چو آمد گل رنگین بیرون
کردند نظاره را عروسان چمن
اندوه کنیم از دل غمگین بیرون
سرها ز دریچه‌های چوبین بیرون
(ص ۷۱)

این رباعی در «نزهه المجالس» (شروانی، ۱۳۶۶: ۱۶۶، ش ۴۲۶) با اختلاف به نام «کمال اسماعیل» آمده است. در مجموعه رباعیات دیوان کمال اسماعیل نیز مذکور است (کمال اسماعیل، ۱۳۴۸: ۸۵۸، ش ۳۰۷).

همچنین در «مونس الاحرار» (جاجرمی، ۱۳۵۰: ۲/ ۱۱۷۱) به نام کمال اسماعیل ثبت شده است.

(۵۱)

بیچاره درخت آب خزانش بنساخت
از باد بهار خلط دی ماهی را
اندر یرقان فتاد و دقش بگداخت
آنکه به شکوفه جمله بیرون انداخت
(ص ۷۱)

(۵۲)

بسیار ز دست عشق خوردم سیلی
تا منصب عاشقی من شد عالی

آخر من ملحد شدم اسماعیلی
(ص ۷۱)

از بس که بکردم تک و پو در ره عشق

(۵۳)

از زلف تو می‌فکنند بر جان تابی
هم دیده کی با روی من آورد آبی
(ص ۷۱)

دوش این دل مستمندم از هر بابی
خواب آمد و خواست کآبرویم ببرد

در «نزهه المجالس» نیز (شروانی، ۱۳۶۶: ۶۶۰، ش ۲۸۷۰) با اختلاف جزئی به نام کمال اسماعیل آمده است. در زیرنویس همان صفحه اشاره شده که این رباعی در دیوان کمال اسماعیل نیست.

(۵۴)

و ایام نشاط و شادی و ناز آید
وین عمر گذشته از کجا باز آید
(ص ۷۱)

گیرم کی فلک همدم و دمساز آید
آن صحبت دوستان کجا بینم باز

(۵۵)

هر شیوه کی در عشق بود او داند
گر بکشد ور زنده کند او داند
(ص ۷۴)

یارم ره و رسم عشق نیکو داند
بگذاشته‌ام مصلحت خویش بدو

(۵۶)

در کام قلم نهاده گنج انگشتت
دندانۀ آن کلید، پنج انگشتت
(ص ۷۴)

ای از سر خامه سحر سنج انگشتت
دست تو کلید در ارزاق آمد

در «نزهه المجالس» (شروانی، ۱۳۶۶: ۱۹۵، ش ۶۶۳) با اختلاف جزئی به نام «اشهری» ثبت شده.

(۵۷)

ناید به کف از تو آرزویی که مراست
تا برناید کام عدویی که مراست
ترسم که شود ریخته‌ای جان جهان
بی دیدن رویت آبرویی که مراست
(ص ۷۴)

(۵۸)

رفتم به در تنور آن کوزه‌گران
پیری دیدم نشسته می‌کرد فغان
می‌گفت و همی گریست کای بیخبران
در آتش می‌نهد خاک پدران
(ص ۷۶)

(۵۹)

ای ماه زمین به‌سوی افلاک شدی
بس پاک در آمدی و بس پاک شدی
ناخورده در آتش جوانی آبی
چون باد در آمدی و با خاک شدی
(ص ۷۷)

در «جنگ رباعی» (میرافضلی، ۱۳۹۴: ۳۳۹، ش ۵۹) با اختلاف جزئی از «اختیارات
مختارنامه» نقل شده است و نیز در مختارنامه (عطار، ۱۳۴۵: ۱۹۹، ش ۹۵۲) آمده.

(۶۰)

دی بر سر خاک دلبری سیم تنی
دبدم تن نازنین او در کفنی
گفتم سخنی بگوی گفتا ای کاش
هرگز ز زبان من نرفتی سخنی
(ص ۷۷)

(۶۱)

بر من بت دلفریب پر فن بگذشت
چون ماه بر این سوخته خرمن بگذشت
شوریده سر زلف و خرامان سرمست
بگذشت به من وه که چه بر من بگذشت
(ص ۸۵)

در «خلاصه الاشعار فی الرباعیات» (ابوالمجد تبریزی، ۱۳۸۳: ۱۴۵) به نام «فخر علی کی

شبستری» آمده است.

(۶۲)

گردی از مشک وین او بخور نشسته
ز چشمش کش نوین بختی ز نیرنگ
ز عنبر شوونم او شکر نشسته
سلی زاده شی اوسر نشسته (۴)

(ص ۸۶)

این دو بیت که ظاهراً به گویش محلی است، بدون نام گوینده ذکر شده و تلفظ و معنی آن بر بنده نامعلوم است. در منابع دیگر نیز نشانی از آن نیافتم.

(۶۳)

سیمم ز تملق مجازی فلک
یارب کی چه غصه‌هاست امروز مرا
وز کینه و مهر و دلنوازی فلک
در حقه دل ز مهره بازی فلک

(ص ۸۷)

در عنوان این رباعی آمده است: «من املاء مولانا نجم الدین المنجم».

(۶۴)

رفت آن گه‌ری کی بود پیرایه عمر
از موی سپیدم سر پستان امید
وآورد زمانه طاق سرمایه عمر
بنگر کی سیاه می‌کند دایه عمر

(ص ۸۷)

در عنوان این رباعی آمده است «و من املائه (مولانا نجم الدین المنجم) لابی علی سینا». این رباعی در منابع متعدد به نام ابن سینا ثبت است.

(۶۵)

چون شمع دمی نبود خوشنود از خویش
گفتم کی مسوز گفت تو بی‌خبری
در سوز برآورد بسی دود از خویش
زان می‌سوزم تا برهم زود از خویش

(ص ۸۷)

عنوان این رباعی، چنین است «و من املائه (مولانا نجم الدین المنجم) للعطار». در

مختارنامه (عطار، ۱۳۸۶: ۳۲۰، ش ۱۸۹۰) نیز آمده است.

(۶۶)

ای چشم تو را به هر نظر سوخته‌ای
جانا چه زیان شود لب لعل تو را
وای از لب تو شفای هر سوخته‌ای
گر سود کند بر او جگر سوخته‌ای
(ص ۸۷)

(۶۷)

دست است مرا چون دل و دل چون دهن
آیا شب انتظار کی خواهد بود
عیشی چو سر زلف شکن بر شکنت
روزی کی کند خدای روزی منت
(ص ۸۷)

(۶۸)

از قصر منقش به مغاک آمده‌ایم
ناباک^{۱۳} به‌جای بیمناک آمده‌ایم
وز روی زمین به زیر خاک آمده‌ایم
ای پاک عفو کن کی نه پاک آمده‌ایم
(ص ۸۸)

(۶۹)

کن عالماً و ارض بصف النعال
فان تصدّرت بلا آیه
لا تطلب الصّدر بغير الكمال
کانّ ذاک الصّدر صفّ النعال

ترجمه:

در صدر صف نعال می‌باش تو مرد
گر صدر طلب کنی و از فضل تو فرد
بی فضل به گرد صدر البته مگرد
آن صدر صف نعال و آن روی تو زرد
(ص ۹۰)

این رباعی فارسی، ترجمه منظومی است از دو بیت عربی که در حاشیه دست‌نویس، بدون ذکر نام شاعر آمده است.

(۷۰)

رو کوزه‌گرا ز خاک دریوزه مکن
گر هست تو را از سر خود آگاهی

وز چشم بتان تو قوت هر روزه مکن
صد کاسهٔ سر در سر یک کوزه مکن

(ص ۹۴)

(۷۱)

یک دوست که بر سیرت نیکوست کجاست
پسته دهنان تودهٔ مغزند همه

هی هی که در این زمانه خود دوست کجاست
از مغز طمع بریدم آن پوست کجاست

(ص ۹۴)

(۷۲)

آن‌ها کی بیانی و بلاغی گویند
در کل امور دین و دنیا دی را

و آنها کی ز بهر کاخ و باغی پویند
امروز به چوبی و چراغی جویند

(ص ۹۵)

این رباعی با عنوان «لجلال‌الدین المیزانی» (؟) ثبت شده است.

(۷۳)

با چشم خوش تو نیست جان را خویشی
.... نیست کز منت آید یاد

وز تو طمع می نیست مرا از بیشی
روزی کی ز بندگان خود اندیشی

(ص ۹۶)

این رباعی در حاشیهٔ نسخه آمده و کلماتی از آن در اثر فرسایش لبهٔ برگ دست‌نویس،
محو شده است.

(۷۴)

از وصل تو عقل یک زمان نشکبید
دل را ز تو یک ذره شکیبایی نیست

جان از رخت ای جان و جهان نشکبید
انصاف بده کی دل ز جان نشکبید

(ص ۹۶)

(۷۵)

خونابه سودای تو می‌پخت دلم خون جوش برآورد به سر بیرون شد
(ص ۹۶)

بیت اول این رباعی از حاشیه بالای دست‌نویس، محو شده اما در «نزهه المجالس» به نام
«فخرالدین مبارک شاه» بدین صورت آمده است:

گفتی که سرشک تو چرا گلگون شد چون پرسیدی با تو بگویم چون شد
خونابه سودای تو می‌پخت دلم خون جوش برآورد ز سر بیرون شد
(شروانی، ۱۳۶۶: ۲۱۳، ش ۷۹۹)

در زیرنویس «نزهه المجالس» درباره این رباعی چنین آمده: «بیت اول در دیوان همام ص
۲۱۱ هم وارد شده». (همان)

(۷۶)

کس نیست کی از دوست نشانی دهم یکدم به وصال او زبانی دهم
جز باد صبا کی گه از خاک درش آرد بویی و تازه جانی دهم
(ص ۹۶)

در عنوان این رباعی آمده است «و ذلک لمولانا محیی الدین الماضي».

(۷۷)

در عید چرا وعده باطل دهی ام صد عشوه دل‌فریب کامل دهی ام
از غایت لطف رسم قربانی را آخر چه شود گر اندکی دل دهی ام
(ص ۹۶)

این رباعی با عنوان «لغیره» آمده است. در «نزهه المجالس» رباعی‌ای به نام شهاب‌الدین
سهروردی ثبت است که شباهتی به رباعی فوق دارد:

جانا همه وعده‌های باطل دهی ام وز جام شکر شربت قاتل دهی ام
تا چند جگر خورم ز دست ستمت نآمد گه آن که اندکی دل دهی ام
(شروانی، ۱۳۶۶: ۲۲۳، ش ۸۸۸)

(۷۸)

سودای توام سینه غم کش بگرفت
از بهر تو ای خاک درت آب حیات
اقطاع دلم درد تو خوش خوش بگرفت
از ناله من دو عالم آتش بگرفت
(ص ۹۶)

(۷۹)

ای خط خوش تو نوبهار دیده
رفتگی و خیال قد سرو آسایت
خاک قدم تو یادگار دیده
هرگز نرود ز جویبار دیده
(ص ۹۶)

(۸۰)

تا چشم خوش تو دلبری پیشه گرفت
کم کن ز سپید کاری اکنون کی خطت
ای بس عاشق کی غم خوری پیشه گرفت
بر گرد رخت سیه گری پیشه گرفت
(ص ۹۶)

سخن فرجامین

دست‌نویس مکتوب در میانه‌های سده هفتم که در این نوشتار بدان پرداخته شد، اشعار و آثار نویافته مهمی را در بر می‌گیرد و با توجه به این که همه آثار نظم و نثر مندرج در آن از شاعران و نویسندگان سده هفت یا پیش از آن است و ارائه‌کننده نمونه‌های تازه‌یاب از نظم و نثر فارسی در دوره‌های کهن تاریخ ادب فارسی است، بر این اساس در صحت و اصالت نسخه مذکور و تاریخ کتابت آن تردیدی نیست. نشانه‌های نسخه‌شناسی نیز مؤید این موضوع است.

شاید از دلایلی که محتویات این مجموعه تاکنون ناشناخته باقی مانده، فهرست‌نویسی نادرست آن در کتابخانه ملی است و بر این قیاس می‌توان گفت نسخه‌های «چندمتنی» یا مجموعه‌ها، بیش از دست‌نویس‌های تک‌متنی نیازمند بازنگری و تأمل هستند و چه بسا که در

مجموعه‌های خطی اعم از جنگ، بیاض و یا سفینه، نکات تازه فراوانی از ظرایف تاریخ و ادبیات کهن ما ناشناخته باقی مانده باشد که شناسایی و تحقیق و تصحیح آن‌ها از مهم‌ترین زمینه‌های پژوهش‌های ادبی به شمار می‌رود.

دست‌نویس معرفی شده در این نوشتار اشعار و آثار متعددی را شامل است که توجه بدان‌ها در تصحیح متون ادب فارسی ضرورت فراوان دارد؛ رباعیاتی که از جمال‌الدین عبدالرزاق، رکن‌الدین دعوی‌دار و کمال اسماعیل در این نسخه آمده و در دیوان‌های تصحیح شده آن‌ها نیست، لزوم توجه به این گونه دست‌نویس‌ها را در تصحیح دیوان‌های مذکور نشان می‌دهد.

همچنین اشعار تازه‌ای که گویندگان آن‌ها شناخته نشده، زمینه‌های پژوهش و جستجو را برای یافتن شاعران گمنام پیش از قرن هفت فراهم می‌کند و قطعاً منابعی از این دست می‌تواند به شناسایی شاعرانی که در طول تاریخ دیوان‌های آنان مفقود شده کمک فراوانی برساند.

بر اساس جستجوی نگارنده در مهم‌ترین منابع رباعیات فارسی، از میان ۸۰ رباعی فارسی ذکر شده در سفینهٔ ملکی جلال‌الدین همایی، گویندگان ۵۳ رباعی ناشناس‌اند و در منابع مذکور نیامده است؛ شماره آن رباعی‌ها بدین قرار است:

۱-۵-۶-۷-۸-۹-۱۱-۱۴-۲۰-۲۱-۲۲-۲۳-۲۴-۲۵-۲۶-۲۷-۲۸-۳۰-۳۱-۳۲-۳۳-۳۵-
 ۳۶-۳۷-۳۹-۴۰-۴۱-۴۲-۴۴-۴۶-۴۷-۴۸-۵۱-۵۲-۵۴-۵۵-۵۷-۵۸-۶۰-۶۲-۶۶-۶۷-۶۸-
 ۶۹-۷۰-۷۱-۷۳-۷۴-۷۵-۷۷-۷۸-۷۹-۸۰

رباعی‌هایی که نام گویندگان آن‌ها در دست‌نویس جنگ ذکر شده و یا در منابع دیگر، اعم از دیوان‌های آن شاعران یا مجموعه رباعیات کهن، نیز ثبت است:

۳-۴۵-۵۰: از کمال‌الدین اسماعیل است که در دیوان وی و نیز در دو منبع دیگر مذکور است (شروانی، ۱۳۶۶: ۵۸۴، ۱۶۶ و جاجرمی، ۱۳۵۰: ۱۱۷۱/۲)

۵۳- به نام کمال اسماعیل است ولی در دیوانش نیامده است.

- ۴: از زوزنی؛ در منبع دیگری به نام اوست (ابوالمجد تبریزی، ۱۳۸۳: ۱۴۹)
- ۱۲-۱۳-۵۹-۶۵: از عطار است که در مختارنامه و نیز منابع دیگر هم آمده است.
- ۱۷: از ابن خطیب گنجه‌ای و فقط در سفینه مورد تحقیق آمده است.
- ۱۸: از تاج‌الدین ابوالقاسم است و تنها در همین دست‌نویس ذکر شده است.
- ۲-۳۸: به نام جمال‌الدین عبدالرزاق است و در دیوان وی و منابع دیگر نیست.
- ۱۰: بر اساس منابع اشعار ابوسعید ابوالخیر، بدو منسوب است.
- ۲۹-۴۹-۵۶-۷۵-۷۷: در دست‌نویس سفینه بدون نام گوینده است و در نزهه المجالس نیز آمده است.
- ۱۹: به نام سعدالدین حُمویه مذکور است و در منبع دیگر یافت نشد.
- ۳۴: به نام رکن‌الدین دعوی‌دار قمی است و در منبع دیگری یافت نشد.
- ۳۵: به نام رشید و طواط و تنها در سفینه ذکر شده است.
- ۴۷: در منبع دیگری هم بدون نام سراینده آمده است (جاجرمی، ۱۳۵۰: ۱۲۰۲/۲)
- ۶۱: در سفینه بدون نام و در منبع دیگری (ابوالمجد تبریزی، ۱۳۸۳: ۱۴۵) به نام فخرالدین علی کی شبستری آمده است.
- ۶۴: در سفینه و نیز منابع دیگر به نام ابن سینا آمده است.
- ۱۵-۱۶: در سفینه به نام سعدالدین احمد عزیز (?) آمده و یکی از مصراع‌های رباعی شماره ۱۵ در لغتنامه به نام انوری است. بر اساس توضیحی که در عنوان این دو رباعی در متن دست‌نویس سفینه آمده، گوینده هر دو رباعی یکی است. در دیوان انوری و منابع دیگر ذکر نشده است.
- بنابراین پژوهش، علاوه بر ۵۳ رباعی بدون نام که نویافته محسوب می‌شود، رباعیاتی نیز از جمال‌الدین عبدالرزاق، کمال‌الدین اسماعیل، رکن‌الدین دعوی‌دار، رشید و طواط، ابن خطیب گنجه‌ای و چند شاعر کم نام و نشان دیگر در این دست‌نویس کهن ثبت شده که در تکمیل و

تصحیح مجموعه رباعیات فارسی و پژوهش‌های تاریخ ادبیات، کمک بسزایی می‌کند.

پی‌نوشت‌ها

- ۱- همایی، جلال‌الدین (رمضان ۱۳۱۷ (=دی ۱۲۷۸)؛ اصفهان-تیر ۱۳۵۹؛ تهران) ادیب، پژوهشگر، شاعر متخلص به «سنا» و «هما». از آثار وی می‌توان به تاریخ ادبیات ایران، غزالی‌نامه، فنون بلاغت و صناعات ادبی، مولوی‌نامه، التفهیم، مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه، اشاره کرد. (برای آگاهی از احوال و آثار او ر.ک: اتحاد، ۱۳۷۸: ۸ / ۵۶۰-۲۶۷)
- ۲- در مقالات پراکنده‌ای به این نسخه‌ها و یادداشت‌های آن اشاره شده است (ر.ک: صادق زاده وایقان، ۱۳۹۲: ۴۰۹-۳۸۹؛ سلیم‌گندمی، ۱۳۸۶: ۵۹۸-۵۹۲).
- ۳- نگارنده این‌سطور در مقاله‌ای به معرفی، طبقه‌بندی و تحلیل آن یادداشت‌ها و حواشی پرداخته است که به یاری حق منتشر خواهد شد.
- ۴- برای آگاهی از تفاوت‌های مجموعه‌های موسوم به جنگ، بیاض و سفینه و ویژگی‌های هر یک (ر.ک. افشار، ۱۳۹۰: مقدمه).
- ۵- «مسطر عبارت بود از یک صفحه مقوایی که چند رشته نخ تابیده شده را بر روی آن به شکل موازی در کنار یکدیگر تعبیه می‌کردند. ... کاتبان کاغذ مورد نظر را روی مسطر قرار داده و با دست یا به وسیله مهره کشیدن اندکی فشار می‌دادند تا نشان نخ‌ها روی کاغذ بیفتد. بعد بر روی این سطرهای ایجاد شده به کتابت می‌پرداختند» (صفری آق قلععه، ۱۳۹۳: ۶۶).
- ۶- درباره قره‌العین، مؤلف، نسخه‌ها و چاپ آن (ر.ک: صفری آق قلععه، ۱۳۹۳، ۲۴-۲۶).
- ۷- رساله اسماءالکتاب، رساله عنایت‌نامه و رساله وصف بخارا از جمله این رسایل کوتاه است که همگی متون منتشر نیافته محسوب می‌شوند.
- ۸- شماره صفحات زیر هر شعر بر اساس شماره گذاری نسخه در کتابخانه ملی است.
- ۹- به بیوسی: امید نیکی داشتن، انتظار بهی یا خوبی داشتن (دهخدا، ۱۳۷۲: ذیل بیوسی) گفتنی است که در لغت‌نامه، بیت اول این رباعی به‌عنوان شاهد «به بیوسی» ذکر شده و به انوری منسوب

گشته است (دهخدا، ۱۳۷۲: همان) در دیوان انوری این رباعی نیست.

۱۰- ظ: ...زخاکم بردار

۱۱- کلمه نخست این مصراع در اصل نسخه مخدوش است؛ ظاهراً «رخساره» یا کلمه‌ای شبیه بدان بوده است.

۱۲- یک کلمه مخدوش است.

۱۳- ناباک: بی باک، بی ترس، دلیر و بی پروا، بی احتیاط (دهخدا، ۱۳۷۲: ذیل ناباک)

منابع

- ۱- ابوالمجد تبریزی. (۱۳۸۳). خلاصه الاشعار فی الرباعیات. به کوشش سید محمد عمادی حائری. تهران: گنجینه بهارستان. انتشارات مجلس شورای اسلامی.
- ۲- اتحاد، هوشنگ. (۱۳۷۸). پژوهشگران معاصر ایران. تهران: فرهنگ معاصر.
- ۳- افشار، ایرج. (۱۳۹۰). بیاض، سفینه، جنگ. با همکاری میلاد عظیمی. تهران: انتشارات سخن.
- ۴- جاجرمی، محمدبن بدر. (۱۳۵۰). مونس الاحرار فی دقائق الاشعار. به اهتمام میر صالح طیبی. تهران: انجمن آثار ملی.
- ۵- جمال‌الدین عبدالرزاق. (۱۳۲۰). دیوان. تصحیح حسن وحید دستگردی. تهران: ارمغان.
- ۶- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۲). لغت‌نامه. تهران: دانشگاه تهران.
- ۷- رشیدالدین وطواط. (۱۳۴۹). دیوان. تصحیح سعید نفیسی. تهران: کتابخانه بارانی.
- ۸- سلیم گندمی، حمید. (۱۳۸۶). فهرست عناوین ۱۶۰ نسخه خطی استاد جلال‌الدین همایی. هدیه بهارستان؛ یادنامه میرجلال‌الدین محدث ارموی (ص.ص. ۵۹۸-۵۹۲) تهران: خانه کتاب.
- ۹- شروانی، جمال خلیل. (۱۳۶۶). نزهه المجالس. تصحیح محمد امین ریاحی. تهران: زوار.

- ۱۰- صادق زاده وایقان، علی. (۱۳۹۲). فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آقا شیخ محمدحسن نجف آبادی. پیام بهارستان. سال ششم. شماره ۲۲. ص.ص. ۴۰۹-۳۸۹.
- ۱۱- صفری آق‌قلعه، علی. (۱۳۹۰). نسخه‌شناخت. تهران: میراث مکتوب.
- ۱۲- ----- (۱۳۹۳). قاضی اوش و قره‌العین. گزارش میراث. سال هشتم. شماره ۵۶. ص.ص. ۲۶-۲۴.
- ۱۳- عطار، فریدالدین. (۱۳۴۵). دیوان. تصحیح تقی تفضلی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ۱۴- ----- (۱۳۸۶). مختارنامه. تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی. تهران: سخن.
- ۱۵- کمال اسماعیل اصفهانی. (۱۳۴۸). دیوان. به اهتمام حسین بحرالعلومی. تهران: دهخدا.
- ۱۶- میرافضلی، علی. (۱۳۹۴). جنگ رباعی. تهران: انتشارات سخن.
- ۱۷- نفیسی، سعید. (۱۳۳۴). سخنان منظوم ابوسعید. تهران: کتابخانه شمس.